

هو العليم

اهمیت زیارت امام رضا علیه السلام و رابطه میان
زیارت آن حضرت و زیارت خانه خدا در ماه

رجب

برگرفته از کتاب «روح مجرد»

حضرت علامه آیه الله حاج سید محمد حسین

حسینی طهرانی

قدّس الله سرّه

بسم الله الرحمن الرحيم

از جمله اعمال مستحبی که بر انجام آن در ماه رجب تاکید بسیار شده است زیارت امام رضا علیه السلام می باشد. و در بسیاری از روایات ، زیارت آن حضرت در ماه رجب بمنزله زیارت بیت الله الحرام به حساب آمده است. مر حوم علامه طهرانی بحث جامعی را در ارتباط با این مساله در کتاب شریف روح مجرد نموده اند که در ذیل ارائه می گردد:

رابطه میان زیارت آن حضرت و زیارت خانه

خدا در ماه رجب المرجب

روایت امام محمد تقی درباره افضلیت زیارت

امام رضا بر حج غیر از حجة الاسلام

در «کافی» ج ۴، فروع، کتاب الحج و المزار، در

باب فضل زیارت اَبیالحسن الرضا علیه السلام، ص

۵۸۴ روایت کرده است که:

أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ

الْحُسَيْنِ بْنِ سَيْفٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَسْلَمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ

قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَجُلٍ حَجَّ حِجَّةَ
الْإِسْلَامِ، فَدَخَلَ مُتَمَتِّعًا بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ، فَأَعَانَهُ اللَّهُ عَلَى
عُمْرَتِهِ وَحَجِّهِ، ثُمَّ أَتَى الْمَدِينَةَ فَسَلَّمَ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ
عَلَيْهِ وَآلِهِ ثُمَّ أَتَاكَ عَارِفًا بِحَقِّكَ؛ يَعْلَمُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ
عَلَى خَلْقِهِ وَبَابُهُ الَّذِي يُؤْتَى مِنْهُ، فَسَلَّمَ عَلَيْكَ، ثُمَّ أَتَى أَبَا
عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ، ثُمَّ أَتَى
بَغْدَادَ وَسَلَّمَ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ، ثُمَّ
انْصَرَفَ إِلَى بِلَادِهِ، فَلَمَّا كَانَ فِي وَقْتِ الْحَجِّ رَزَقَهُ اللَّهُ الْحَجَّ؛
فَأَيُّهُمَا أَفْضَلُ: هَذَا الَّذِي قَدْ حَجَّ حِجَّةَ الْإِسْلَامِ يَرْجِعُ
أَيْضًا فَيَحُجُّ، أَوْ يُخْرُجُ إِلَى خُرَاسَانَ إِلَى أَبِيكَ عَلِيِّ ابْنِ
مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ فَيُسَلِّمُ عَلَيْهِ؟! قَالَ: [لَا] بَلْ يَأْتِي
خُرَاسَانَ فَيُسَلِّمُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَفْضَلُ؛
وَلَيْكُنْ ذَلِكَ فِي رَجَبٍ؛ وَ لَا يَنْبَغِي أَنْ تَفْعَلُوا [فِي] هَذَا
الْيَوْمِ؛ فَإِنَّ عَلَيْنَا وَ عَلَيْكُمْ مِنَ السُّلْطَانِ شُنْعَةً.

«روایت میکند أبوعلی اشعری از حسن بن علی

کوفی از حسین بن سیف از محمد بن أسلم از محمد

بن سلیمان که گفت:

من از حضرت أبوجعفر امام محمد تقیّ
علیه السّلام پرسیدم راجع به مردی که حِجّة الإسلام
خود را انجام داده بود متمتّعاً با عمره، یعنی حجّ
تمتّع بجای آورده بود، و خداوند وی را کمک نموده
بود تا اینکه آنها را صحیحاً بجای آورد؛ و پس از آن
به مدینه آمده بود و زیارت رسول اکرم صلیالله علیه
و آله وسلّم را بجای آورده بود، و سپس با معرفت به
حقّ تو و به اینکه تو حجّت خداوند در روی زمین
هستی و در خدا میباشی که باید از آن در وارد شد،
به سوی تو آمده بود و تو را زیارت نموده و بر تو
سلام داده بود. و پس از آن به سوی حضرت ابا
عبدالله الحسین صلوات الله علیه آمده و بر آنحضرت
سلام داده، و سپس به بغداد رفته و بر حضرت
أبوالحسن موسی علیه السّلام سلام داده و زیارت
نموده، و پس از آن به سوی شهر خود مراجعت
نموده است. اینک که موسم حجّ فرا رسیده است، او
متمکن از حجّ میباشد، بفرمائید: برای او با این
کیفیتی که ذکر شد که حِجّة الاسلام خود را انجام
داده است، آیا باز حجّ بیت الله الحرام برای او افضل
است، یا اینکه به سوی خراسان برود و بر پدرت علیّ

بن موسیٰ علیهما السّلام سلام کند؟!

حضرت فرمود: نه! بلکه به خراسان رود و بر حضرت أبوالحسن علیه السّلام سلام کند البتّه آن افضل است؛ ولیکن باید زیارت و سلامش در ماه رجب باشد. و سزاوار نیست که زیارت آن حضرت را در امروز بجای آورید؛ زیرا سلطان وقت این عمل را برای ما و برای شما قبیح و ناپسند می‌شمرد.»

این روایت مبارکه را با سند صحیح دیگری شیخ الطّائفة المقدّم متوفّی در سنه ۳۶۷ أبوالقاسم جعفر بن محمّد بن قولویه در کتاب نفیس و معتبر «کامل الزیارات» باب ۱۰۱: ثواب زیارة أبی الحسن علیّ بن موسی الرضا علیه السّلام بطوس، ص ۳۰۵ از پدرش و از محمّد بن حسن و علیّ بن حسین جمیعاً از سعد بن عبدالله بن أبی خلف از حسن بن علیّ بن عبدالله بن مغیره از حسین بن سیف بن عمیره از محمّد بن أسلم جبلّیّ از محمّد بن سلیمان روایت میکند که: از حضرت أباجعفر علیه السّلام پرسیدم... آنگاه روایت را به عین عباراتی که ما از «کافی» آوردیم روایت میکند. مگر اینکه علامه شیخ

عبدالحسین اُمینی (ره) در تعلیقهُ خود در ذیل کتاب
میفرماید:

عبارت **ثُمَّ أَتَاكَ** به همین گونه در نسخه‌های کتاب
آمده است، و مشهدی در «مزار کبیر» با اسناد خودش
نیز به همین طریقی که در کتاب آمده است روایت کرده
است؛ و شیخ صدوق هم با همین سند روایت نموده
است ولیکن بجای قوله: **ثُمَّ أَتَاكَ** - **إِلَى قَوْلِهِ**: **ثُمَّ أَتَى** آورده
است: **ثُمَّ أَتَى أَبَاكَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَارِفًا بِحَقِّهِ**
يَعْلَمُ أَنَّهُ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَبَابُهُ الَّذِي يُؤْتَى مِنْهُ، فَسَلَّمَ
عَلَيْهِ ثُمَّ أَتَى - إلخ؛ و آن روایت صدوق اقرب به صواب
است.

مراد از «هَذَا الْيَوْمَ» در روایت محمد بن سلیمان

در تفسیر ذیل این حدیث مبارک، دو وجه به نظر
می‌رسد:

اول آنکه: مراد از هَذَا الْيَوْمِ زمان خلافت خلیفه
جائر زمان بوده باشد؛ و بنابراین، مفاد حدیث چنین
میشود: باید زیارت در ماه رجب بوده باشد، و سزاوار
نیست در این زمان و در این دوره که بر ما و شما از

سلطان وقت خوف تشنّیع هست بجای آورید، بلکه صبر کنید تا این دوره سپری شود و در آن وقت در ماه رجب مشرّف شوید و زیارت کنید.

و اشکالی که به این احتمال وارد میشود آنستکه: شاید تا چندین سال بعد از این، این خلافت جائره سپری نشود و این دوره به پایان نرسد؛ پس چرا حضرت جواد الائمه آن مرد را از حجّ در موسم خود منع فرموده با آنکه بنا به فرض، تمکن از زیارت حضرت علیّ بن موسی الرضا را ندارد؟!

دوم آنکه: مراد از هَذَا الْیَوْمِ، یوم حجّ و موسم حجّ باشد؛ و بنابراین حضرت میفرمایند: این شخص که موسم حجّ رسیده و امر دائر است بر اینکه یا حجّ کند یا زیارت پدرم را، و زیارت مقدّم است، در ایّام حجّ و موسم حجّ به خراسان نرود و زیارت نکند زیرا خلیفه میگوید: اینان حجّ خود را زیارت قبر حضرت امام رضا قرار داده‌اند. و در موسم حجّ که مشهود است تمام زائرین بیت‌الله الحرام از اوطان خود خارج و به سوی مکه میروند، معلوم است که اگر کسی به سمت

خراسان و برای زیارت سفر کند این سفر چشمگیر
مشخص خواهد شد و خلیفه میگوید: اینان از عمل
حجّ با چنین و چنان اَهَمِّیَّتِ اعراض نموده و محلی دیگر
که قبر امامشان است، بدانسوی قصد میکنند و
حجّ میکنند. پس در موسم حجّ به زیارت نروید و صبر
کنید در زمانی که از نقطه نظر تدریج زمان در مقابل
موسم حجّ قرار دارد و آن، ماه رجب است که در ضمن
دارای شرف و فضیلت و شهرالله الاصبّ است
زیارت کنید تا این احتمال تشیع از شما برداشته شود.
در اینصورت، زیارت کرده‌اید و سلطان را نیز نسبت به
خود در شك و شبهه نینداخته‌اید!

و این وجه از احتمال بسیار خوب است و
اشکالی ندارد. مضافاً به آنکه در زیارت حضرت امام
رضا در موسم حجّ به بیان مقدّم خوف تشیع هست
نه مطلق زیارت گرچه در ماه رجب باشد؛ چون
زیارت ائمه علیهم السّلام بطور مطلق در آن زمانها
رائج و دارج بوده، و شیعیان به زیارت قبور ائمه خود
معروف بوده‌اند.

باری، علیّ ایّ الاحتمالین عبارت روایت، لفظ

رجب است بالجیم الْمُعْجَمَة؛ ولی یکی از دوستان: جناب آیه‌الله آقای حاج سید موسی شُبیری زنجانی دامت برکاته گفتند: در نسخه «کافی» که به تصحیح مرحوم آیه‌الله شهید حاجّ شیخ فضل‌الله نوری اعلی‌الله مقامه الشّریف طبع شده است، رجب را بالحاء الْمُهملة ضبط کرده‌اند و یک نفر از آیات عظام دامت برکاتهم که کتابی در باب زیارت حضرت امام رضا علیه‌السّلام نوشته‌اند، این ضبط را ترجیح داده و گفته‌اند که: عبارت رَحَب است، یعنی باید زیارت را در سِعه بجای آورید، و در این زمان که زمان شدّت و ضیق است خودداری کنید چون از سلطان خوف تشنیع است. و بنابراین زیارت حضرت ثامن الائمه علیه‌السّلام در ماه رجب

خصوصیتی ندارد؛ چون مناطِ تَوْهَمِ خصوصیت، فقط همین روایت است؛ و بعد از آنکه معلوم شد عبارت روایت رَحَب است نه رجب این مناط برچیده میشود.

اشکالات وارده در احتمال ضبط «رَحَب» در روایت بجای «رَجَب»

أقول: بر این احتمال، یعنی احتمال ضبط رَحَب

بالحاء المهملة وجوهی از ایراد و اشکال است:

اولاً: مرحوم محدّث و علامّه مجلسی در «بحار

الانوار» این حدیث را از کتاب «عیون أخبار الرضا» با

سند دیگر از ابن المغيرة عن جدّه الحسن عن الحسين

بن سيف عن محمد بن أسلم عن محمد بن سليمان از

حضرت أبا جعفر عليه السلام روایت میکند، و در آن

لفظ رَجَب بالجيم المعجمة مضبوط است.^۱

و در آخر این باب فرموده است: و قد مرّ استِحبابُ

کونها فی رَجَب.^۲

و ثانياً: مرحوم مجلسی در «تحفة الزائر» رَجَب

ضبط فرموده چون در این کتاب در ضمن ترجمه این

حدیث شریف گوید: و باید که در ماه رَجَب باشد،

و در این زمان مکنید که بر ما و شما از خلیفه خوف

تشیع هست.^۳

و مرحوم محدّث قمی در «هدیّة الزائرین» عین

همین ترجمه مجلسی را در این فقره از حدیث آورده

^۱ «بحار الانوار» طبع کمپانی، جلد ۲۲، کتاب المزار، ص ۲۲۵، و ص ۲۲۶

^۲ همان

^۳ «تحفة الزائر» طبع سنگی، ص ۴۰۲

و ثالثاً: ابن قولویه در «کامل الزیارات» با سند متصل خود از پدرش و محمد بن الحسن و علی بن الحسین جمیعاً از سعد بن عبدالله بن ابی خلف از حسن بن علی بن عبدالله بن المغیره از حسین بن سیف بن عُمیره از محمد بن اُسَلَمَ جبلی از محمد بن سلیمان از حضرت ابی جعفر الجواد علیه السلام عین این روایت را با لفظ رجب با جیم معجمه روایت کرده است. ۲.

و در «وسائل الشیعة» بابی را به عنوان استحباب اختیار زیارة الرضا علیه السلام و خصوصاً فی رجب منعقد نموده است. ۳.

و رابعاً: مرحوم شیخ فضل الله نوری در این حدیث شریف ضبط رجب را به حاء مهمله نفرموده است و تصریحی بر مادّه رَحَب ندارد و فقط چنانچه در ص ۳۲۶ از جلد اوّل «فروع کافی» ملاحظه میشود عبارت به لفظ رَحَب نوشته شده است؛ بنابراین به

۱ «هدیّة الزائرین» طبع سنگی، ص ۲۳۸

۲ «کامل الزیارات» ص ۳۰۵ و ۳۰۶

۳ «وسائل الشیعة» طبع امیر بهادر، ج ۲، ص ۴۱۰

چه دلیل میتوان گفت: این تصحیح آن مرحوم است؟ بلکه به ظنّ قریب به یقین در کتابت، کاتب نقطه جیم را نگذارده است.

وخامساً: اگر شك کنیم که در اصل رَحَب بوده یا رَجَب، أصالة عدم زیادة النُّقطة مُقدِّمٌ على أصالة عدم النَّقِیْصة؛ و بنابراین باید گفت رَجَب در نُسخ صحیح است نه رَحَب.

و سادساً: معنی رَحَب مناسب با مقام نیست، چون رحب به معنی وسعت در مکان و محلّ است نه هر سِعه‌ای. و از موارد استعمال آن مشاهده میشود که پیوسته در موارد سعه مکانی و محلّی از آن استفاده میشود، و اگر احیاناً به معنی مطلق سعه آید، باز به عنایت استعمال لفظ خاصّ در معنی مطلق آن است.

در «لسان العرب» گوید: وَ الرَّحْبُ بِالْفَتْحِ وَ الرَّحِيبُ: الشَّيْءُ الْوَاسِعُ. تَقُولُ مِنْهُ: بَلَدٌ رَحْبٌ وَ أَرْضٌ رَحْبَةٌ. الْإِزْهَرِيُّ: ذَهَبَ الْفَرَاءُ إِلَى أَنَّهُ يُقَالُ: بَلَدٌ رَحْبٌ وَ بِلَادٌ رَحْبَةٌ، كَمَا يُقَالُ: بَلَدٌ سَهْلٌ وَ بِلَادٌ سَهْلَةٌ. وَ قَدْ رَحِبَتْ تَرْحِبُ وَ رَحَبَ يَرْحُبُ رُحْبًا وَ رَحَابَةً وَ رَحِبَتْ رَحْبًا. قَالَ الْإِزْهَرِيُّ: وَ أَرْحَبْتُ، لُغَةً بِذَلِكَ الْمَعْنَى. وَ

قَدْرُ رُحَابٍ أَى وَاسِعَةً...

ابْنُ الْأَعْرَابِيِّ: وَ الرَّحْبَةُ: مَا اتَّسَعَ مِنَ الْأَرْضِ، وَ
جَمَعُهَا رُحْبٌ، مِثْلُ قَرْيَةٍ وَ قُرَى. «- إِلَى أَنْ قَالَ صَاحِبُ
لِسَانِ الْعَرَبِ:

وَ رَحْبَةُ الْمَسْجِدِ وَ الدَّارِ، بِالتَّحْرِيكِ: سَاحَتُهَا وَ
مُتَّسَعُهَا. قَالَ سِيبَوَيْهِ: رَحْبَةٌ وَ رِحَابٌ كَرَقَبَةٍ وَ رِقَابٍ وَ
رَحَبٌ وَ رَحَابَاتٌ.

الْأَزْهَرِيُّ: قَالَ الْفَرَّاءُ: يُقَالُ لِلصَّخْرَاءِ بَيْنَ أَفْنِيَةِ
الْقَوْمِ وَ الْمَسْجِدِ: رَحْبَةٌ وَ رَحْبَةٌ. وَ سُمِّيَتِ الرَّحْبَةُ رَحْبَةً
لِسَعَتِهَا. بِهَا رَحُبَتِ أَى بِهَا اتَّسَعَتْ. يُقَالُ: مَنْزِلٌ رَحِيبٌ وَ
رَحْبٌ.

وَ دَر «صَحَاحُ اللَّغَةِ» گويد: الرَّحْبُ بِالضَّمِّ:
السَّعَةُ؛ تَقُولُ مِنْهُ: فُلَانٌ رُحْبُ الصَّدْرِ. وَ الرَّحْبُ
بِالْفَتْحِ: الْوَاسِعُ، تَقُولُ مِنْهُ: بَلَدٌ رَحْبٌ وَ أَرْضٌ رَحْبَةٌ؛
وَ قَدْ رَحُبْتَ بِالضَّمِّ تَرُحِبُ رُحْبًا وَ رَحَابَةً. وَ قَوْلُهُمْ:
مَرَحَبًا وَ أَهْلًا أَى أَتَيْتَ سَعَةً وَ أَتَيْتَ أَهْلًا فَاسْتَأْنَسَ وَ
لَا تَسْتَوْحِشْ. وَ قَدْ رَحَّبَ بِهِ تَرَحَّبًا، إِذَا قَالَ لَهُ:
مَرَحَبًا...

و قِذْرٌ رُحَابٌ أَى وَسِعَةً. وَ الرَّحْبَى: أَعْرَضُ
 الاضلاع، و إِنَّمَا يَكُونُ النَّاحِزُ فِي الرَّحْبَيْنِ وَ هُمَا مَرْجِعُ
 الْمِرْفَقَيْنِ، وَ هُوَ أَيْضًا سِمَةٌ فِي جَنْبِ الْبَعِيرِ. وَ الرَّحِيبُ:
 الْاَكُولُ. وَ فُلَانٌ رَحِيبُ الصَّدْرِ أَى وَاسِعُ الصَّدْرِ. وَ
 رَحَائِبُ التُّخُومِ: سَعَةٌ أَقْطَارِ الْأَرْضِ. وَ رَحِبَتِ الدَّارُ وَ
 أَرْحَبَتْ بِمَعْنَى، أَى اتَّسَعَتْ.. إِلَى آخِرِ مَا أَفَادَهُ.

و مشابه آنچه گفته شد در «تاج العروس» آمده
 است. و محصل از آنچه ذکر شد آنکه: این توهّم فقط و
 فقط از نگذاردن يك نقطه «رَجَب» بوجود آمده است. و
 بما ذكرنا كلّهُ عرفت أَنَّهُ تَوْهَمٌ بِلَا مَوَرِدٍ؛ فَلَا تَغْفُلْ.

و سابعاً: از آنچه اخیراً در معنی رحب ذکر شد
 معلوم شد که: رُحْبٌ به معنی سَعَةٌ است و رَحْبٌ به
 معنی واسع؛ و روایت شریفه بر فرض صَحّتِ وارد
 شدن آن با حاء مهمله و بدون نقطه،
 باید رُحْبٌ بِالضَّمِّ باشد نه رَحْبٌ بِالْفَتْحِ؛ و چون در
 نسخه «کافی» مطبوع مرحوم شیخ، رَحْبٌ بِالْفَتْحِ
 نوشته شده است و فتحه روی راء مشهود است،
 بنابراین متعیّن حذف نقطه است از جیم معجمه نه به
 غلط ضمّه را فتحه قرار دادن.

افضلیّت زیارت مشاهد مشرّفه در ماه رجب

و علّت آنکه حضرت جواد علیه السّلام ماه رجب را معین میکنند، مضافاً إلى ما ذکرناه آنکه زیارت همّه ائمّه علیهم السّلام در ماه رجب مستحبّ است و حائز فضیلت بیشتری از سائر شهر است؛ کما آنکه در «إقبال» در باب أعمال رجب، ص ۶۳۱ راجع به استحباب زیارت هر يك از مشاهد مشرّفه در ماه رجب میفرماید: رَوَيْنَاهَا بِإِسْنَادِنَا إِلَى جَدِّي أَبِي جَعْفَرِ الطُّوسِيِّ (ره) فِيهَا ذِكْرُهُ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: حَدَّثَنِي جُبَيْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مَوْلَانَا يَعْنِي أَبَا الْقَاسِمِ بْنِ رُوحٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: زُرْ أَى الْمَشَاهِدِ كُنْتَ بِحَضْرَتِهَا فِي رَجَبٍ، تَقُولُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَشْهَدُنَا مَشْهَدَ أَوْلِيَائِهِ فِي رَجَبٍ وَ أَوْجَبَ عَلَيْنَا مِنْ حَقِّهِمْ مَا قَدْ وَجَبَ- تا آخر زیارت شریفه وارده.

نصّ بر استحباب زیارت حضرت ثامن الحُجّج علیه السّلام در شهر رجب، فقط در این روایت است و روایتی دیگر نداریم. امّا چون این روایت سندش قوی است، لهذا کافی است برای عقد باب استحباب

زیارت آن حضرت در ماه رجب.

پادشاهای مترتبه بر زیارت حضرت ثامن

الحجج علیه السلام

و اما روایات در فضیلت زیارت آن حضرت بطور مطلق، بسیار است. در بعضی وعده بهشت داده شده است، و در بعضی عدل شهادت شهدای بدر بشمار آمده است، و در بعضی ثواب هزار حج و هزار هزار حج بر آن مترتب گردیده است.

جعفر بن محمد بن قولویه روایت میکند از حسن بن عبدالله از پدرش عبدالله بن محمد بن عیسی از داود صَرَمِی^۱ از ابو جعفر ثانی (امام محمد تقی) علیه السلام، قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي فَلَهُ الْجَنَّةُ.

«داود صرمی گفت: شنیدم که حضرت میگفت: کسیکه قبر پدرم را زیارت کند پس جزای وی بهشت

^۱ علامه شیخ عبدالحسین امینی رحمه الله علیه در تعلیقه دارد که: الصَّرَمِیُّ بفتح الصاد المهملة و قیل بکسرهما و بعدها راء ساکنه، یُنسبُ إلى بنی صرمه بنِ کثیر: بَطْنٌ مِنْ عُدْرَةَ بْنِ زَيْدِ اللَّاتِ مِنَ الْقَحْطَانِيَّةِ؛ أو إلى صرمه بنِ مرّة: حَيٍّ مِنْ ذُبْيَانَ. و داود هذا هو داود بنُ مافِئَةَ الصَّرَمِیِّ بقرینه أحمد بن عیسی، لا داود الصَّرَمِیُّ الَّذِي مِنْ أَصْحَابِ الْهَادِي عَلَيْهِ السَّلَامُ يروى عنه أحمد بنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ؛ و قد ذهبَ بعضٌ إلى اتّحادهما.

و أيضاً روایت میکند از پدرش از سعد از ابراهیم بن ریان^۱ که گفت: حدیث کرد برای من یحیی بن الحسن الحسینی^۲ که او گفت: حدیث کرد برای من علی بن عبدالله بن قطرب از حضرت ابوالحسن موسی علیه السلام:

قَالَ: مَرَّ بِهِ ابْنُهُ وَ هُوَ شَابٌّ حَدَّثَ وَ بَنُوهُ مُجْتَمِعُونَ عِنْدَهُ؛ فَقَالَ: إِنَّ ابْنِي هَذَا يَمُوتُ فِي أَرْضِ غُرَبَةٍ. فَمَنْ زَارَهُ مُسْلِمًا لِأَمْرِهِ عَارِفًا بِحَقِّهِ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ كُشْدَاءً بَذْرًا.^۳

«ابن قطرب میگوید: در حضور حضرت امام موسی کاظم علیه السلام که پسرانش مجتمع بودند، پدرش علی که نوجوانی بود عبور کرد. حضرت فرمود: این پسر در زمین غربت میمیرد. پس کسیکه تسلیم امر ولایت و امامت او باشد و به حق او عارف و شناسا باشد، اگر او را زیارت کند ثواب او در نزد

^۱ «کامل الزیارات»، باب ۱۰۱، ص ۳۰۳

^۲ در نسخه «بحار» (ج ۲۲، ص ۲۲۶ از طبع کمپانی و ج ۱۰۲ ص ۴۱ از طبع حیدری) ابراهیم بن الزیّات ضبط نموده است. (م)

خداوند عزوجلّ مانند شهیدان غزوه بدر میباشد.»

و أيضاً روایت میکند از پدرش، و از محمد بن یعقوب، از علی بن ابراهیم از حمدان بن اسحق که گفت: از حضرت ابا جعفر علیه السلام شنیدم، و یا آنکه برای من از مردی از ابا جعفر علیه السلام حکایت کرد - و شک از علی بن ابراهیم است - که حضرت ابا جعفر علیه السلام گفت:

مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي بَطُوسٍ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ.

قَالَ: فَحَجَجْتُ بَعْدَ الزِّيَارَةِ فَلَقِيتُ أَيُّوبَ بْنَ نُوحٍ.

فَقَالَ لِي [قَالَ - ظ] أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي بَطُوسٍ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ، وَ بَنَى لَهُ مِنْبَرًا بِحِذَاءِ مَنْبَرِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ ءَالِهِ وَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى يَفْرُغَ اللَّهُ مِنْ حِسَابِ الْخَلَائِقِ.

فَرَأَيْتُ أَيُّوبَ بْنَ نُوحٍ بَعْدَ ذَلِكَ وَ قَدْ زَارَ فَقَالَ: جِئْتُ أَطْلُبُ الْمَنْبَرَ.^۱

«کسیکه قبر پدرم را در طوس زیارت نماید،

^۱ «کامل الزیارات»، باب ۱۰۱، ص ۳۰۴ و ۳۰۵

خداوند گناهان گذشته و آینده‌اش را می‌آمرزد.

حَمْدَان بن إِسْحَق یا آن مرد دیگر می‌گوید: من پس از ملاقات و دیدار حضرت أَبُوجَعْفَر امام جواد علیه‌السَّلام حجّ بیت‌الله الحرام را بجای آوردم، و در حجّ با أَيُّوب بن نُوح برخورد و ملاقات نمودم. او به من گفت: حضرت أَبُوجَعْفَر علیه‌السَّلام فرموده است: کسیکه قبر پدر مرا در طوس زیارت کند، تمام گناهان گذشته و آینده‌اش آمرزیده میشود و خداوند در روز قیامت در صحرای حشر برای او منبری می‌سازد در مقابل منبر رسول اکرم صَلَّی‌اللهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ و علیّ علیه‌السَّلام تا اینکه خداوند از حساب خلائق فارغ گردد.

من پس از این جریان، أَيُّوب بن نُوح را دیدار کردم درحالیکه زیارت قبر حضرت علیّ بن موسی الرِّضَا عَلَیْهِمَا السَّلام را انجام داده بود و گفت: من آمدم تا اینکه آن منبر موعود را به دست آورم.»

و ایضاً روایت میکند از مُحَمَّد بن حَسَن از مُحَمَّد بن حَسَن صَفَّار از أَحْمَد ابن مُحَمَّد بن عِیْسَى از أَحْمَد بن مُحَمَّد بن أَبِي نَصْر بَزَنْطِیّ؛ قَالَ: قَرَأْتُ فِي كِتَابِ أَبِي الْحُسَيْنِ

الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَبْلِغْ شِيعَتِي: إِنَّ زِيَارَتِي
تَعْدُلُ عِنْدَ اللَّهِ أَلْفَ حَجَّةٍ.

قَالَ: فَقُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَلْفَ حَجَّةٍ؟!

قَالَ: إِي وَاللَّهِ! وَ أَلْفَ أَلْفِ حَجَّةٍ لِمَنْ زَارَهُ عَارِفًا بِحَقِّهِ.^۱

«میگوید: من در کتاب حضرت امام ابوالحسن

الرّضا علیه السلام خواندم: به شیعیان من برسانید که:

زیارت من در نزد خداوند معادل با هزار مرتبه حجّ

بیت الله الحرام را انجام دادن است.

بَزَنْطَى میگوید: من از روی تعجّب به حضرت

أبوجعفر امام محمد تقیّ علیه السلام عرض کردم:

هزار حجّ؟!!

فرمود: آری قسم به خدا! و هزار هزار حجّ برای

کسیکه زیارت کند او را درحالیکه عارف به حقّ وی

باشد.»

باری، با ملاحظه آنچه ذکر شد، شاید بدست آید

سرّ استحباب زیارت حضرت ثامن الائمه علیه السلام

در ماه رجب المرجّب، و ارتباط قویم آن زیارت با

زیارت بیت الله الحرام. چرا که شهر رجب از ماههای

^۱ «کامل الزیارات» باب ۱۰۱، ص ۳۰۵

حرام است که تک افتاده است، به خلاف ذوالقعدة الحرام و ذوالحجّة الحرام و محرّم الحرام که این سه ماه، متوالی و پی در پیاند؛ و در ماه رجب جنگ حرام است، و دارای اعتبار و خصوصیات است که آنرا از سائر ماهها متمایز میگرداند؛ و شهرالله است؛ و برای بسیاری از سالکان راه خدا، در ماه رجب فتح باب میشود. ولادت امیرالمومنین و بعثت رسولالله صلوات الله و سلامه علیهما موجب مزید تکریم و تشریف این ماه شده است.

سرّ استحباب زیارت امام رضا علیه السلام در

ماه رجب و رابطه آن با حجّ کعبه بیتالله

الحرام

بنابراین هیچیک از اقسام عمره، چون عمره رجبیه نیست؛ و در فضیلت، با فضیلت حجّ فقط یک درجه فرق دارد. و در این روایت اخیر دیدیم زیارت حضرت امام هشتم برای شیعیان خلّص و عارفان به مقام و منزلت و حقّ او، ثواب هزار و یا هزار هزار حجّ بر آن مترتب است. و ابداً جای استبعاد نیست؛

زیرا حیات کعبه به ولایت است. بنابراین ولایت محور است و کانون، و کعبه در حکم محیط پرگار است. نمیبینی چگونه مردم دور کعبه‌ای که علیّ در آن متولّد شده است دور میزنند و طواف میکنند و خواهی نخواهی طوعاً أو کرهاً ناچارند تسلیم آن حقیقت و واقعیّت شوند؟!!

همهٔ مسلمین چه شیعه و چه عامّه بر سر سفرهٔ آنحضرت نشسته‌اند، چرا که بقدری گسترده است که در برابرش سفرهٔ دگری متصور نیست. بلکه همهٔ عالم از برکات وجودی و از ولایت تکوینیّه و وجودیّهٔ آنحضرت متمتّع‌اند. در اینصورت مبادا استبعاد کنی که چطور میشود ثواب یک زیارت حضرت امام رضا علیه‌السّلام عارفاً بحقّه، معادل با ثواب هزار هزار حجّ باشد؟!!

آنجا کعبهٔ ظاهر است و اینجا کعبهٔ باطن. آنجا تکلیف است و اینجا محبّت. آنجا جسم است و اینجا جان.

رؤیای صادقۀ دربارهٔ ارتباط زیارت آن

حضرت با حجّ و عمره

باری! اگر بخواهیم در این باره سخن را گسترش

دهیم به درازا میکشد؛ یک سرش در دست ما و سر دیگرش به لایتناهی میرسد. آنوقت باید نه تنها به درازای دنیا بلکه به گسترش عالم برزخ و مثال، بلکه به وسعت قیامت و بهشت و دوزخ، و از آن برتر و بالاتر مطلب را گسترش دهیم. بنابراین فعلاً صلاح است که به همین مقدار اکتفا شود، تا نه خامهٔ من بشکند، و نه شما از خانه و لانه و دکان آواره شوید! فقط به ذکر یک رویای صادقانه که از یکی از همشیره‌های خود حقیر است اکتفا نموده، مطلب را خاتمه میدهیم:

حقیر قبل از تشرّف به نجف اُشرف فقط سه بار به زیارت حضرت ثامن الائمه علیه‌السلام مشرّف شده‌ام؛ و چون مَحَطّ دروس تحصیلی ما مطالعهٔ اخبار و احادیث نبود، نمیدانستم زیارت آنحضرت ثواب حجّ بیت‌الله را دارد؛

و بالخصوص در ماه رجب زیارت مخصوصه است. در مدّت اقامت هفت ساله در نجف هم به احادیث زیارت حضرت امیرالمومنین و حضرت سیّدالشّهداء علیهما السّلام چون محلّ ابتلا بود

مراجعة میشد؛ ولی به احادیث ثواب زیارت حضرت امام رضا علیه السلام مراجعه نمیشد.

در مراجعت از نجف اشرف نیز تا بیش از یک سال که اشتیاق زیارت بود توفیق تشرّف دست نداد، تا در اواسط ماه رجب ۱۳۷۸ هجریّه قمریّه با چند تن از دوستان سلوکی بنا به تقاضا و دعوت آنها عازم بر تشرّف شدیم، و من تا آن زمان به گوشم نخورده بود که زیارت حضرت ثواب حجّ دارد، و نیز زیارت در ماه رجب را دارای خصوصیتی نمیدانستم و سفر ما در ماه رجب حسب الاتفاق بود، نه از روی قصد و انتخاب.

یکی دو روز مانده به موقع حرکت، حقیر که برای خدا حافظی به دیدار بزرگان و اقوام و ارحام میرفتم، یک روز به منزل همشیره کوچک برای تودیع رفتم؛ وقتی مطّلع شد که عازم آستان بوسی حضرت ثامن هستم، گفت: سُبْحَانَ اللَّهِ! سُبْحَانَ اللَّهِ! من دیشب تو را در خواب دیدم که دو جامهٔ إحرام پوشیده‌ای و عازم بیت‌الله الحرام می‌باشی!

گفتم: خوب این خواب چه تعجّبی دارد؟!!

گفت: تعبیرش روشن شد که شما عازم زیارت

امام رضا علیه السّلام میباشید، زیرا که در روایت وارد است کسیکه زیارت آنحضرت را بجا بیاورد کأنّهُ حجّ و عُمره را انجام داده است؛ و شما که عازم این زیارت هستید در عالم رویا ملبّس به لباس احرام بوده و مقصد، بیت الله الحرام بوده است.

من هم از این رویا تعجّب نمودم، و به او گفتم: تا بحال من نمیدانستم که زیارت آنحضرت ارتباطی با حجّ و عمره دارد.

اشعار بحر العلوم در فضیلت کربلا و سائر

مشاهد بر کعبه، و عظمت اِتیان صلاة در آنها

بالجمله، این حقیقت را میتوان از اشعار سیّد بحر العلوم استفاده نمود،

آنجا که کربلا را در مرتبه و درجه، برتر از کعبه قلمداد نموده است و سپس در بیت بعد بقیّه مشاهد را در مرتبه و درجه به منزله کربلا به شمار آورده است:

أَكْثَرُ مِنَ الصَّلَاةِ فِي الْمَشَاهِدِ *** خَيْرِ الْبِقَاعِ

أَفْضَلُ الْمَعَابِدِ (۱)

لِفَضْلِهَا اخْتِيرَتْ لِمَنْ بِهِنَّ حَلٌّ *** ثُمَّ بِمَنْ قَدْ

حَلَّهَا سَمَا الْمَحَلِّ (٢)

وَالسَّرُّ فِي فَضْلِ صَلَاةِ الْمَسْجِدِ *** قَبْرِ لِمَعصومٍ

بِهِ مُسْتَشْهَدٍ (٣)

بِرَشَّةٍ مِنْ دَمِهِ مُطَهَّرَهُ *** طَهَّرَهَا اللَّهُ لِعَبْدٍ

ذَكَرَهُ (٤)

وَهِيَ بُيُوتُ أَذْنِ اللَّهِ بِأَنْ *** تُرْفَعَ حَتَّى يُذَكَّرَ

اسْمُهُ الْحَسَنُ (٥)

وَمِنْ حَدِيثِ كَرْبَلَا وَ الْكُعْبَةِ *** لِكَرْبَلَا بَانَ

عُلُوُّ الرُّتْبَةِ (٦)

وَ غَيْرُهَا مِنْ سَائِرِ الْمَشَاهِدِ *** أَمْثَالُهَا بِالنَّقْلِ

ذِي الشَّوَاهِدِ (٧)

فَادَّ فِي جَمِيعِهَا الْمُفْتَرَضَا *** وَ النَّفْلَ وَ اقْضِ مَا

عَلَيْكَ مِنْ قِضَا (٨)

وَ رَاعِ فِيهِنَّ اقْتِرَابَ الرَّمْسِ *** وَ عَائِثِ الصَّلَاةِ

عِنْدَ الرَّأْسِ (٩)

وَ النَّهْيُ عَنْ تَقَدُّمٍ فِيهَا أَدَبٌ *** وَ النَّصُّ فِي حُكْمِ

الْمُساوَاةِ اضْطَرَبَ (١٠)

وَ صَلَّ خَلْفَ الْقَبْرِ فَالصَّحِيحُ *** كَغَيْرِهِ فِي

نَذْبُهَا صَرِيحٌ (۱۱)

وَالْفَرْقُ بَيْنَ هَذِهِ الْقُبُورِ *** وَغَيْرِهَا كَالنُّورِ

فَوْقَ الطَّوْرِ (۱۲)

فَالسَّعْيُ لِلصَّلَاةِ عِنْدَهَا نُذْبٌ *** وَقُرْبُهَا بَلٍ

اللُّصُوقُ قَدْ طُلِبَ (۱۳)

وَالِاتِّخَاذُ قِبَلَةٍ وَإِنْ مُنِعَ *** فَلَيْسَ بِالِدَّافِعِ إِذْنًا قَدْ

سُمِعَ (۱۴)^۱

۱ - نماز را در مشاهد مشرفه زیاد بجای آور، که

آنجاها بهترین نقاط روی زمین است، و با فضیلت ترین معبدهای خداوند است.

۲ - به جهت فضیلت داشتن آن خاک است که

برگزیده شده است تا قبر امامی باشد که در آن مدفون

گشته است. سپس همین محلّ بواسطه حلول امام در

آن شرافت دیگری پیدا کرده است (یعنی اولاً

خودش لیاقت داشته که خاک قبر امام گردد، ثانیاً با

قبر امام شدن فضیلت دیگری پیدا نموده است).^۲

^۱ منظومه علامه سیّد مهدی بحر العلوم معروف به «الدُّرَّة النّجفیّة»

^۲ بنابراین ضمیر اختیرت به همان بقاع و مشاهد بر میگردد نه به نماز، و لام اوّل برای تعلیل و لام دوّم برای اختصاص خواهد بود. و چون ما این ابیات

۳ - و علّت آنکه نمازگزاردن در مسجد فضیلت دارد، وجود قبر معصومی است که در آنجا به درجۀ رفیعۀ شهادت رسیده است.

۴ - خداوند به برکت تراوش قطره‌ای پاک و پاکیزه شده از خون آن شهید، آن محلّ را پاک قرار داده است برای بنده‌ای که یاد خدا کند.

۵ - مشاهد مشرفه خانه‌هایی هستند که خداوند اجازه فرموده است تا بالاروند و رفیع‌القدر و عالی‌الرتبه باشند تا اینکه اسم مبارک خداوند که نیکو و حسن است در آنجاها برده شود.

۶ - و از حدیثی که درباره کربلا و درباره کعبه وارد شده است، برتری و علوّ رتبه کربلا نسبت به کعبه روشن و واضح شده است.^۱

را در ص ۲۲۵ از جلد یازدهم «امام شناسی» از دوره علوم و معارف اسلام آورده‌ایم و به گونه‌ای معنی نموده‌ایم که ضمیر اختیرت به نماز برمیگردد، اینک باید آن ترجمه اصلاح گردد و این ترجمه بجای آن بنشیند.

^۱ آیه الله محقق سیّد محمود طباطبائی (قدّه) در کتاب «المَوَاهِبُ السَّنِيَّةُ فِي شَرْحِ الدُّرَّةِ الْغُرَوِّيَّةِ» که از علامه سیّد مهدی بحر العلوم میباشد در ج ۵، ص ۲۱۵ در شرح این بیت سیّد (ره) فرموده است:

فَفِي خَبَرِ عَمْرِو بْنِ ثَابِتٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: خَلَقَ اللَّهُ كَرْبَلَا قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ الْكَعْبَةَ

۷- و غیر از کربلا بقیّه مشاهد مشرفّه دیگر هم

در مقام و مرتبت، در حکم کربلا میباشند؛ و برای این مطلب شواهدی از علوم نقلیه در دست داریم.

۸- بنابراین، تو جمیع نمازهای واجب و نوافل

خود را در آن مشاهد بگزار، و نمازهای قضایت را همچنین در آنجا انجام بده!

۹- و در آن مشاهد مراعات کن که هرچه میتوانی

به قبر مبارک نزدیک باشی؛ و نماز خواندن در نزد سر امام را بر سائر جاها برگزین!

۱۰- و نهی شرعی که از خواندن نماز جلوتر از

قبر امام وارد شده است، نهی ادبی و تنزیهی است،

نه نهی تحریمی؛ و نصّی که درباره نماز خواندن

محاذی و مساوی قبر معصوم وارد است، در متنش



بَارُبْعَةٍ وَ عِشْرِينَ أَلْفَ عَامٍ، وَ قَدَسَهَا وَ بَارَكَ عَلَيْهَا فَمَا

زَالَتْ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ اللَّهُ الْخَلْقَ مُقَدَّسَةً مُبَارَكَةً لَا تَزَالُ

كَذَلِكَ جَعَلَهَا اللَّهُ أَفْضَلَ الْأَرْضِ فِي الْجَنَّةِ.

و يُمَكِّنُ الْإِسْتِنَادُ فِي ذَلِكَ إِلَى الْأَخْبَارِ الْوَارِدَةِ فِي فَضْلِ زِيَارَتِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَلَيْهِ الْحَجُّ وَ الْعُمْرَةُ مِرَارًا مَعَ أَنَّ فِيهِمَا الطَّوْفَ بِالْبَيْتِ وَ زِيَارَتَهُ... تا آخر شرح طویلی که افاده نموده است.

اضطراب دارد؛ و استفاده حرمت از آن نمیشود.

۱۱ - و نماز بخوان در پشت قبر (بطوریکه قبر را قبله خود قرار دهی) زیرا اخبار وارده صحیحه و غیر صحیحه در استحباب آن صراحت دارد.

۱۲ - و فرق میان این قبور مطهره (که در آنجاها نماز گزاردن استحباب اکید دارد) و میان غیر این قبور (که در آنجاها نماز گزاردن کراهت دارد) مانند قطعه نوری است که بر فراز کوهی میدرخشد و خودش را نشان میدهد. (دیگر جای شبهه نیست.)

۱۳ - بنابراین، شتافتن برای نماز خواندن در نزدیکی این قبور مطهره مندوب و مستحب است؛ و هرچه نزدیکتر بودن به قبر، و بلکه چسبیدن به آن نیز مطلوب و ممدوح است.

۱۴ - و قبر مردگان را در وقت نماز، قبله خود قرار دادن اگرچه مورد نهی و منع واقع شده است؛ ولیکن این عمومات و اطلاقات نمیتواند اذنی را که درباره خصوص معصومین وارد شده است از میان بردارد.

حضرت آقای حاج سیّد هاشم پس از زیارت و طواف اگر به راحتی در بالای سر مطهر جا برای نماز

بود، آنجا نماز می‌گزاردند؛ و گرنه هر جای حرم
که جا بود و مزاحم کسی نبود به آنجا میرفتند؛ و این
رویه آنحضرت بود در همهٔ مشاهد مشرفه مثل نجف
و کربلا و کاظمین و سامراء.